



در الگوسازی باید دید تکلیف زن نسبت به خدا، اجتماع و خانواده و... چیست؟ مشخص کردن این تکالیف بر اساس مبانی تفاوت‌های جنسیتی و مسئولیت‌های اجتماعی زن و مرد است. البته در بسیاری از موارد تکلیف زن و مرد یکسان و مشابه خواهد بود اما در مواردی نیز با توجه به اختلافات، تکالیف جنسیتی خواهد شد



عکس: مهر

مبانی کلامی الگوی سوم زن انقلاب اسلامی

تحلیل

زینب تاجیک پژوهشگر

سوم زن است که باید نظام فکری و معرفتی ما را در ارتباط با زنان مشخص کند. همچنین منظور ما از کلام، شاخه‌ای از دین‌شناسی است که با کمک متون اصیل اسلامی به استنباط، تنظیم و تبیین آموزه‌های دینی در یک موضوع خاص می‌پردازد. برای رسیدن به مبانی الگوی سوم ابتدا مبانی الگوهای قبلی یعنی زن شرقی و غربی را مختصراً بررسی کرده تا تفاوت دیدگاه آنها با الگوی سوم روشن تر شود.

مبانی کلامی الگوی زن شرقی

اولین الگوی مطرح شده درباره زنان الگوی زن شرقی است که برگرفته از ادیان تحریف شده و مبانی جنسیت‌زده فلسفی یونان باستان درباره زنان است. [۱] این الگو در تاریخ مکتوب همه جهان قابل ردیابی است و در برخی از کشورها همچنان اجرا می‌شود. در این نگاه زن ذاتاً ضعیف، ناقص و درخور ترحم است. کار اجتماعی و مسئولیت اجتماعی نیازمند هوش، ذکاوت و قدرت است و تمام این ویژگی‌ها فقط در مردان دیده می‌شود و زنان بهره‌ای از این ویژگی‌ها ندارند؛ در نتیجه زن هیچ مسئولیت اجتماعی ندارد. به طور مثال سقراط وجود زن را بزرگترین منشا انحطاط بشری می‌دانست. ارسطو زن را حاصل خطای طبیعت و نقص آفرینش می‌دانست و از نظراو زن فقط مرد ناکام است. [۲] نتیجه این نگاه به زن محدود کردن زن به خانه‌داری و فرزندآوری است. در این الگو زن شایسته زنی است که در خانه محصور است، حضور اجتماعی ندارد و از کسب علم نیز منع می‌شود. مثلاً فروید معتقد است زن فقط برای تکثیر نسل و خدمت به اهالی خانه آفریده شده است. [۳] این عقاید در مسیحیت و یهودیت تحریف شده ورود پیدا کرد و در قالب اسرائیلیات وارد اسلام نیز شد.

الگوی زن غربی (الگوی فمینیستی)

در واکنش به الگوی زن سنتی، الگوی غربی و فمینیستی به وجود

آمده. فمینیسم در تاریخ خود تحولات زیادی را پشت‌سر گذاشته و به دیدگاه‌های مختلفی رسیده است که شاید بهتر باشد به جای فمینیسم از کلمه فمینیسم‌ها استفاده کنیم. فمینیسم از زوایای اجتماعی و حقوقی و حتی اقتصادی قابل پیگیری است اما از نظر مبانی فلسفی و کلامی می‌توان گفت تحت‌تأثیر این مبانی رشد کرده است. می‌توان فمینیسم را به مثابه یک مکتب فلسفی نیز دید. فمینیسم انقلاب‌های حقوقی متوجه برخی از قوانین و شرایط اجتماعی و حتی مبانی جنسیت‌زده مسیحیت بیان کرده است اما در ادامه بسندت تحت‌تأثیر مبانی همچون تجربه‌گرایی، سکولاریسم، اومانیزم، لذت‌گرایی و سودگرایی قرار گرفت. تا جایی که نتایج این تأثیرات را در فمینیسم رادیکال شاهد هستیم که هم‌جنس‌گرایی را افتخاری برای زنان بیان می‌کند و به یک زن بریده از مبدأ هستی که از خانواده جدا شده است و پایبند ارزش‌های اخلاقی نبوده و به لذت‌گرایی و سودگرایی رسیده است، منتهی می‌شود.

از دیگر مبانی فمینیسم لیبرال که شاید بتوان از آن به عنوان مهم‌ترین و البته سیاسی‌ترین جریان فمینیسم نیز یاد کرد، نفی تمام تمایزهای جنسیتی و برساخته دانستن تمام اختلافات زناگی و مردانگی است. از نظر باورمندان به این نظریه در عالم خارج تنها انسان وجود دارد بدون هیچ اختلافی و تمام اختلافات در اندیشه و احساسات و تمایلات و... برساخته جامعه مردسالار است. نتیجه این نوع نگاه به زن چیزی جز از بین رفتن زناگی و مردواره‌شدن زن نیست. [۶] حضور اجتماعی زن در این الگو از ابتدا معلول روابط اقتصادی پیچیده و در خدمت نظام سرمایه‌داری بوده است و زنان از دو جهت وسیله‌ای

برای رسیدن این نظام به سود بیشتر بوده‌اند، هم در جهت نیروی کار ارزان‌تر و هم برای رواج فرهنگ مصرف‌گرایی. وضعیت زنان در این الگو در اکثر موارد از کناره‌م قرار دادن این تکه‌های پازل تشکیل شده است که نتیجه‌ای جز تقلیل زناگی در تنانگی، نگاه ابزاری به زن و فروپاشی کانون خانواده نخواهد داشت و تمام این عوامل بزرگترین مانع برای کنشگری زنان است. نکته مهم این است که در هر دو الگو زن مورد ظلم و ستم قرار خواهد گرفت و تنها شکل این ظلم و ستم متفاوت است.

الگوی سوم زن انقلاب اسلامی

گذر از دو الگوی قبلی ما را به الگوی سوم می‌رساند که با توجه به همین الگو انقلاب اسلامی شکل گرفت. زنی که متعالی و تعالی‌ساز است. از مهم‌ترین مبانی این الگو نقش دین در جامعه و میزان دخالت دین در الگودهی و الگوسازی است. این مبنا کاملاً در مقابل سکولاریسم غربی قرار می‌گیرد که الگوی فمینیستی تحت‌تأثیر آن بود.

از مبانی مهم دیگری که در این الگو مورد توجه قرار می‌گیرد، مبنای عبودیت است که فقط به زنان اختصاص ندارد. تشخیص موقعیت انسان در عالم خلقت که از خودآگاهی، خودشناسی، شناخت رابطه خود با جهان و خالق هستی ناشی می‌شود. هدف از این شناخت رسیدن به جایگاه والای انسان است. طبق مبانی انسان‌شناسی اسلامی هویت ما در ارتباط با خدا به عنوان خالق هستی معنا می‌شود و درک این جایگاه در حل بسیاری از مشکلات و معضلات به ما کمک خواهد کرد. این نگاه دقیقاً نگاه مقابل اومانیزم است. طبق این مبنا تکامل زن در سایه قرب الهی صورت خواهد گرفت و به تعبیر

صدرالمآلهین ما عین ربط و نیاز و وابستگی به خالق خود هستیم. در الگوی سوم زن در این جایگاه و این نسبت با عالم خود را می‌بیند و فعالیت می‌کند و لذت‌گرایی و سودگرایی جایی نخواهد داشت. در این الگو باید تمام فعالیت‌های زن که در حال تحصیل و چه در اجتماع ذیل این نگاه تعریف شود. خروجی الگوبری برای زن انقلاب اسلامی باید به عید شدن زن کمک کند و تمام فعالیت‌های اجتماعی زمینه‌بروز و ظهور بندگی زن را فراهم کند.

نتیجه این نوع نگاه به زن انقلاب اسلامی، تکلیف محوری خواهد بود. در الگوسازی باید دید تکلیف زن نسبت به خدا، اجتماع و خانواده و... چیست؟ مشخص کردن این تکالیف بر اساس مبانی تفاوت‌های جنسیتی و مسئولیت‌های اجتماعی زن و مرد است. البته در بسیاری از موارد تکلیف زن و مرد یکسان و مشابه خواهد بود اما در مواردی نیز با توجه به اختلافات، تکلیف جنسیتی خواهد شد.

از مهم‌ترین مبانی این الگو اصل هدفمندی خلقت است، جهان خلقت حاصل حکمت و قدرت و علم لایتنای الهی است و براساس یک طرح قبلی به دنبال غایت و هدفی بوده است و این هدف و غایت همه موجودات با همه اختلافات و تمایزها را شامل می‌شود.

از مهم‌ترین مباحث این مبنا پاسخ به این سؤالات است که هدف از خلقت ذکر و انشی در عالم خلقت چه بوده است؟ و این تمایزات چه اهداف و کارکردهای اجتماعی را به دنبال خواهد داشت؟

خداوند حکیم برای بیان این اختلافات از واژه «خلق» استفاده کرده است:

وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى لِيَلۡ ۳

استفاده از واژه خلق به جای واژه جعل نشان دهنده این تکوینی بودن این اختلافات است و نه برساخته بودن تمام اختلافات جنسیتی. قطعاً خدای حکیم از خلق این اختلافات هدفی داشته و نظام احسن وابسته به این اختلافات است که نتیجه آن رسیدن به تکامل و تعادل جامعه است. با توجه به مبانی کلام دینی این اختلافات به هیچ عنوان جنبه ارزشی نداشته و باعث برتری یک جنس بر جنس دیگر نخواهد شد. تمام هویت‌های زنانه و مردانه از همین اختلافات نشأت گرفته است.

حکیمانه بودن این اختلافات باعث شده است که خالق زن استعدادها متناسب با نظام و خالق مرد استعداد متناسب با مردانگی را به هر کدام بدهد. رساننده که هویت زن انقلاب اسلامی این مبانی ما را به این نقطه خواهد رساند که هویت زن انقلاب اسلامی در اجتماع و خانواده و... باید به ظهور و بروز این هویت زنانه کمک

کند، نه اینکه باعث فاصله گرفتن زن از این ذات زنانه شود. نمی‌شود که ما معتقد به هدفمندی خلقت باشیم اما لوازم این هدفمندی را نپذیریم.

از دیگر مبانی الگوی زن سوم، زن به مثابه یک انسان کامل است و نه ناقص. و زن در نگاه اصیل اسلامی به هیچ عنوان نماد وسوسه‌گری و اغوا نیست.

از دیگر مباحثی که باید در الگوسازی برای زن انقلاب اسلامی مورد توجه قرار گیرد، بحث از جایگاه اختلافات جنسیتی است. طبق مبانی فلسفه و حکمت اسلامی حقیقت انسان به نفس و روح یا ترکیبی از نفس و بدن است. و بحث از اختلافات جنسیتی زمانی کامل خواهد شد که جایگاه این اختلافات را در نفس و روح انسان نیز بررسی کنیم. طبق نظر اندیشمندان اسلامی جنسیت صرفاً برساخته فرهنگ و جامعه و تربیت نبوده و در تکوین متفاوت زن و مرد ریشه دارد. [۷]

مبانی نفس‌شناسی فلسفی و کلامی ما را به این نکته رهنمون خواهد کرد که اختلافات جنسیتی فقط در جسم و بدن عنصری خلاصه نخواهد شد و حقیقت و حاق وجود انسان‌ها از جهت جنسیتی جهت‌مند است. طبق این اصل عامل جنسیت باید در تمام زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی و دینی و... لحاظ شود. البته زن و مرد تفاوت بسیاری خواهند داشت اما در مواردی اختلافاتی نیز دارند. لحاظ نکردن این اختلافات به هیچ عنوان با فضای فلسفی و دینی و کلامی اسلامی سازگار نیست و این اختلافات در کنار هم و نقش مکملی که بنا بر اصل زوجیت نسبت به هم دارند، باعث رسیدن جامعه به تعادل خواهند شد.

این مبانی که به طور خلاصه بیان شد، نهایتاً جامعه را به تعادل خواهد رساند. با توجه به اینکه زنان قشر عظیم جامعه ما هستند حرکت زنان در این مسیر قطعاً باعث سرعت‌بخشی حرکت اصلی انقلاب اسلامی و رسیدن به تمدن نوین اسلامی خواهد شد.

[۱] برای اطلاع بیشتر به کتاب عقل مذكر رجوع کنید

[۲] ناچیزشردن زن در درازنای روزگار، ۱۳۸۴، ۴۸

[۳] همان ۷۱

[۴] فَأَزْهَمَهَا السَّيِّئَاتُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهَا مِمَّا كَانَتْ فِيهِ وَقَلْنَا أَمِيطُوا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوًّا وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ (بقره / ۳۶)

[۵] مانند سوره احزاب/ ۵۰ و طه/ ۴۰ و قصص/ ۱۲

[۶] بیسلی، درآمدی بر جنسیتی فمینیسم، ص ۸۵-۸۸

[۷] ر.ک به یادداشت جنسیت در اندیشه علامه طباطبایی منتشر شده در شماره چهارم نشریه اکادimia



برش

نتیجه این نوع نگاه به زن انقلاب اسلامی تکلیف محوری خواهد بود. در این الگوسازی باید دید تکلیف زن نسبت به خدا، اجتماع و خانواده چیست؟ مشخص کردن این تکالیف بر اساس مبانی تفاوت‌های جنسیتی و مسئولیت‌های اجتماعی زن و مرد است. البته در بسیاری از موارد تکالیف مرد و زن یکسان و مشابه خواهد بود اما در مواردی نیز با توجه به اختلافات، تکالیف جنسیتی خواهد شد.

از مهم‌ترین مبانی این الگو اصل هدفمندی خلقت است، جهان خلقت حاصل حکمت و قدرت و علم لایتنای الهی است و براساس یک طرح قبلی به دنبال غایت و هدفی بوده است و این هدف و غایت همه موجودات با همه اختلافات و تمایزها را شامل می‌شود.



ایران
ایران دلی

با رسانه‌های متنوع مؤسسه ایران
دیده خواهید شد

خط ویژه
پذیرش آگهی
۱۸۷۷



ایران
online



ایران
online



ایران
online



ایران
online